درس پنجم روز دهم

هدیه های آسمانی

پایه سوم دبستان



صدای نوحه خوانی و سینه زنی از هر کوچه و خیابانی به گوش میرسد.
بیشتر مردم سیاه پوشیده اند و در دسته های عزاداری حرکت می کنند.
پرچم های سرخ و سیاه در آسمان می چرخد و شکوه عزاداری را بیشتر می کند.
من و دوستانم دسته ی عزاداری حضرت قاسم ۱ را تشکیل داده ایم.
رضا مدّاحی می کند.
بسته اند. » یا حسین « من و محمّد پرچم به دست گرفت هایم
و در جلوی دسته حرکت می کنیم.
بعضی بچّه ها سربند صدای اذان بلند می شود.
الله اکبر...
عزاداران برای خواندن نماز ظهر عاشورا آماده میشوند.
نماز، با شکوه برگزار می شود.
بعد از نماز، امام جماعت برای دسته های عزاداری صحبت می کند:
محرّم، ماه درس گرفتن است. امام حسین علیه السّلام و یارانش شجاعانه از اسلام دفاع کردند و سرانجام در روز دهم محرّم به دست مردم نادان و ستمگر به شهادت رسیدند.
ما هر سال در این روزها یاد او و یارانش را زنده نگه می داریم؛ یارانی باایمان، فداکار، شجاع و مهربان

۱ یکی از فرزندان امام حسن علیه السّلام که در روز عاشورا به شهادت رسید.

صدای «یا حسین » مردم از گوشه و کنار به گوش می رسد.
بعد از سخنرانی بلند می شویم و به کمک دوستانم
دسته ی عزاداری را منظّم می کنیم.
همه زیر لب نوحه ای را به یاد امام حسین علیه السّلام و کودکان او زمزمه می
کنیم...



فکر می کنم

محرم ،ماه ..درس گرفتن از امام حسین (ع) یاران و خانواده ی اوست

دوست دارم

وقتی آب مینوشم،

به یاد تشنگان کربلا بگویم یا حسین..مظلوم. .

به برگزاری مراسم عزاداری در مدرسه یا مسجد محلّه کمک کنم. برای این کار می توانم:

در درست کردن تبلیغات و دعوت به مراسم همکاری کنم

.....

در پخش کردن غذا و شربت کمک کنم

.....

در مراسم سینه زنی شرکت کنم

.....

اگر با امام حسین علیه السّلام در کربلا بودم .....

اگر در کربلا بودم خود را سپر علی اصغر (ع) می کردم تا آن طفل معصوم شهید نشود
اگر آنجا بودم خود را سپری برای امام شهیدم میکردم .اگر کربلا بودم اشک های رقیه
را پاک می کردم ونمی گذاشتم که گریه کند نمی گذاشتم که او و اسیران را کتک
بزنند سعی میکردم آب بیاورم و به بچه ها بدهم

اگر در کربلا بودم به یاری امام حسین (ع) می شتافتم وبرای بچه ها آب می آوردم پیش
اسیران می رفتم وآنها را دلداری می دادم اگر آنجا بودم همراه حضرت عباس میرفتم و
نمی گذاشتم دستهای او را قطع کنند

گفت و گو کنیم

این نوشته درباره ی کیست؟ درباره ی او چه می دانید؟
وقتی می خواهم نگاهش کنم، باید سرم را خوب بالا بگیرم.
وقتی روی شانه هایش می نشینم، مثل کبوتر کوچکی هستم بالای یک کوه.
صورتش زیباتر از ماه است؛ با چشمانی درشت و سیاه و لبخندی همیشگی.
وقتی می خندد، دندان های سفیدش مثل دانه های مروارید می درخشند.
چقدر خنده هایش را دوست دارم...!
امّا وقتی به صف دشمنان چشم می دوزد، همه از نگاهش فرار می کنند.
همیشه به فکر ماست.
مُراقب ماست.
نمی گذارد از چیزی برنجیم.
یک بار زمین خوردم. او آن چنان به سویم دوید که در گرد و خاک پنهان شد. وقتی سراسیمه در آغوشم گرفت، قطره ای از اشک چشمش بر گونه ام چکید. مرا تند و تند بوسید. دست مهربانش را بر سرم کشید.
در میان بازوان قوی و محکمش آن قدر آرام گرفتم که یادم رفت چقدر دردم آمده...
نگهبان چادرهایی است که در آن می خوابیم.
چشم از صف دشمنان برنمی دارد.
نگران تشنگی ماست.
او پرچم دار سپاه اسلام است.
عمو جانم را می گویم... .

بیندیشیم

اِنَّ اللّٰهَ یُحِبُّ الَّذینَ یُقاتِلونَ فی سَبیلِهِ

خداوند کسانی را که در راه او مبارزه می‌کنند، دوست دارد.

سوره‌ی صف، آیه‌ی ۴

این عبارت قرآنی را بخوانید و با توجّه به تصویر در مورد پیام آن با دوستان خود گفت وگو کنید.

در روز عاشورا سپاه امام حسین در مقابل سپاه یزید قرار گرفتند ،از اسلام دفاع کردند و به شهادت رسیدند خداوند به کسانی که در راه او کشته شوند پاداش می دهد





بگرد و پیدا کن

هیهات من الذله

ما (اهل بیت پیامبر)ذلت و خواری را نمی پذیریم

با خانواده

نوحه ای مناسب درباره ی ماه محرّم انتخاب کنید و در کلاس برای دوستانتان بخوانید.









درس پنجم

چرا در ماه محرم لباس ساه به تن می کنید؟

یک سخن از امام حسین (ع) درباره ی نماز بنویسید.

از ماه محرم و واقعه ی کربلا چه درسی میگیرید؟

یزید با کشتن امام حسین .....